



The Intersection of Civil and Criminal Liability: A Comparative Study of Iranian Law and European Legal Principles

Khshayar Heydarian¹, Esmaeil Shahsavandi^{*2}, Mohammad Mehdi Masoumi³

1. Department of Law, Ki.C., Islamic Azad University, Kish, Iran.

2. Department of Law, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Department of Law, Kas.C., Islamic Azad University, Kashan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 147-157

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0007-5633-3006

Email: Esmaeil1984@iaua.ac.ir

Article history:

Received: 04 Jul 2025

Revised: 12 Sep 2025

Accepted: 05 Nov 2025

Published online: 20 Feb 2026

Keywords:

Civil Liability, Compensation for Damages, Tortious Conduct, Criminal Offense.

ABSTRACT

A comparative examination of the Iranian legal system and the European Principles of Liability demonstrates that, although civil and criminal liability are regarded as two independent legal institutions in terms of their foundations, objectives, and consequences, in practice there exists a significant degree of overlap and continuous interaction between them, thereby blurring the traditional boundaries separating these two domains. In Iranian law, criminal liability is primarily grounded in the protection of public order, the punishment of offenders, and the prevention of criminal conduct, whereas civil liability mainly serves the purpose of compensating the injured party and restoring the status quo ante. Nevertheless, in many instances, a single act may simultaneously give rise to both civil and criminal consequences, highlighting the necessity for a precise clarification of the relationship between these two forms of liability. The study of the European Principles of Liability further indicates that contemporary legal approaches place increasing emphasis on effective victim protection, damage reparation, and the preventive function of liability. Within these systems, there is a discernible tendency toward reducing the strict separation between civil and criminal sanctions and moving toward integrated models, whereby certain legal mechanisms simultaneously possess compensatory, deterrent, and even quasi-criminal effects. This development reflects the fact that the philosophy of liability in modern legal systems is no longer confined solely to punishment or compensation, but has also come to encompass restorative justice and the effective protection of individual rights as fundamental objectives. Similarly, although traditional doctrines in Iranian law continue to emphasize a relative distinction between civil and criminal liability, a functional convergence between these two regimes can be observed in areas such as economic crimes, professional misconduct, occupational accidents, and environmental damages. This situation demonstrates that legal accountability in the contemporary world requires an approach that transcends the classical division between private and public law. Ultimately, the efficiency of the liability system appears to depend on greater coordination between civil and criminal mechanisms, enhanced protection of victims, and the utilization of comparative legal experiences, particularly the European Principles of Liability. Furthermore, revising certain domestic regulations in order to eliminate inconsistencies, prevent contradictory judgments, and clarify the reciprocal effects of civil and criminal liability may constitute an effective step toward the realization of justice and legal certainty.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Heydarian, KH; Shahsavandi, E & Masoumi, MM (2026). "The Intersection of Civil and Criminal Liability: A Comparative Study of Iranian Law and European Legal Principles". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(5): 147-157.



دوره پنجم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۴

تلاقی مسؤولیت مدنی و کیفری: بررسی تطبیقی حقوق ایران و اصول حقوقی اروپایی

خشیار حیدریان^۱، اسماعیل شاهسوندی^{۲*}، محمدمهدی معصومی^۳

۱. گروه حقوق، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. گروه حقوق، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

چکیده

در نگاه نخست و به واسطه اعمال مذاقه در آثار صاحب‌نظران حقوقی موردی که عاید می‌شود، تباین و تفارق مسؤولیت مدنی و مسؤولیت کیفری در قالب دو مفهوم اساسی و بنیادین در حوزه عام حقوق است. با این وصف، آرمان مشترک و هدف یکسانی که مسؤولیت کیفری و مدنی در راستای تقلیل الگوهای رفتاری ناشایست و مسؤول‌نمودن عامل آن دنبال می‌نمایند، نقطه تلاقی مناسبی بین این دو رشته از حقوق به‌وجود آورده است. این درحالیست که به‌رغم تمامی سعی و کوشش انجام‌یافته در راستای تفکیک و تمایز عملی این دو رشته، هنوز هم ارتباط ناگسستنی آن‌ها به طرز شفاف محسوس است، اگرچه آن دو رشته مزبور در عمل یارای پیوستن و وحدت کلی را نداشته باشند. در سیستم حقوقی که شالوده و بنیان مسؤولیت کیفری به‌نحوی به انتقام خصوصی اطلاق می‌گردد و مجرم امکان این را داشته باشد که با اعطای مبلغ مشخصی حق قربانی جرم را ادا نماید، در واقع می‌توان اذعان داشت که مسؤولیت‌های مذکور با یکدیگر عجین شده‌اند. این بدان مفهوم است که شاید یک مرز تمایزدهنده مشخصی را نتوان بین جبران خسارت به مفهوم غایی خود و مجازات ترسیم نمود. از منظر آیین دادرسی هم باید بیان داشت که هر دو دارای طرز رسیدگی مشابه بوده و در دادگاه واحد رسیدگی می‌شوند. تشابه مفهومی و یگانگی مصادیق خطای مدنی و جرم در سیستم حقوقی کامن‌لا باعث آن شده است تا بسیاری از صاحب‌نظران حقوقی در تبیین وجوه افتراق دو مسؤولیت دچار تشکیک و تردید شوند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۴۷-۱۵۷

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد اُرکید: ۳۰۰۶-۵۶۳۳-۰۰۰۷-

۰۰۰۹

ایمیل: Esmaeil1984@iau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۳

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

مسؤولیت مدنی، جبران خسارت، خطای مدنی، جرم.



مقدمه

۱- سیر تطور تاریخی

با این که امروز مسیر پیمایشی مسئولیت مدنی و کیفری مجزا از یکدیگر شده است، ولی در حقوق رم، این ها تنها فاصله اندکی از هم داشتند و به صورت کامل از هم جدا نبوده اند (Viney, 1988: 6).

مهم ترین وجه افتراق جرم خصوصی از جرم عمومی در این خلاصه می شد که روند شروع و استمرار وجه تعقیب در جرم خصوصی برعهده شاکی بود، ولی در جرایم عمدی با مدعی العمومی که دارای همچنین اختیاری بود، دقیقاً مانند تقسیم بندی حق الناس و حق الهی در حقوق جزای اسلامی. به عبارتی بهتر، آن هدف غایی واحد که مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی در صدد کاهش اهمال ناشایست و مکافات عامل به دنبال آن بودند، موجبات جدایی این دو حوزه را از یکدیگر فراهم نمودند.

به مرور زمان وجه تباین این دو رشته در پرتو موضوع و هدف آن دو تفسیر شد، جایی که دامنه مسئولیت مدنی وسیع تر از کیفر دادن شخص مجرم است، هرچند این مورد موجب یک فاصله محسوس گردید، ولی نتوانست متضمن جدایی کامل آن ها از یکدیگر باشد. در پای این اختلاط میمون را در آموزه های فقهی نیز می توان جست، به نحوی که اکثر قواعد مسئولیت مدنی را در قسمت جرایمی می توان در بخش دیات جستجو نمود.

یکی از مباحث چالشی که در این خصوص باید مد نظر قرار داد، بحث مبانی مسئولیت است. در مقررات باستانی من جمله قانون رم مسئولیت بدون تقصیر مورد قبول بود، ولی بعدها ضابطه خاصی برای تفکیک مسئولیت کیفری از مسئولیت مدنی تبیین نشد. بر همین مبنا، مطابق سیستم

حقوقی فرانسه تا اوایل قرن بیستم تقصیر به عنوان بنیان اصلی و عام از پذیرش بسیار جدی برخوردار بوده، ولی از اواسط قرن شاکله اصلی عنصر تقصیر فرو پاشید و حقوق دانان نظریه مبانی خطر (مسئولیت بدون تقصیر) را ارائه دادند و برخی دیگر قائل بر نظریه های دوگانه ای بودند، به نحوی که طبق مقررات کشور فرانسه مسئولیت حادث از عمل شخص را بر پایه تقصیر بررسی کرده و در مسئولیت برگرفته از فعل اشیا و سایرین نظریه خطر یا همان مسدولیت بدون فرض تقصیر را مطرح نمودند (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۶: ۴۱).

در اصول اروپایی مسئولیت مدنی که حاصل واکاوی علمی تطبیقی و تضارب افکار صاحب نظران حقوقی بوده است، هرچند به تنهایی به عنوان یک سند لازم الاجرا شناخته نمی شود.

مواردی برای مسئولیت مدنی ارائه شده است که از آن جمله می توان به مسئولیت مبتنی بر تقصیر اشاره نمود (ماده ۴ اصول اروپایی مسئولیت مدنی)، البته شایان ذکر می باشد که در سند مزبور موارد دیگری مذکور افتاده است که دال بر مسئولیت مبتنی بر تقصیر نمی باشد (ماده ۵ اصول اروپایی مسئولیت مدنی).

مع الوصف متأسفانه، قوانین کشورها در این حوزه دارای قول واحد نبوده و از پراکندگی و تشتت و مشخص نبودن مبانی و ارکان مسئولیت مدنی در مضيقه است. قواعد مزبوت به مسئولیت مدنی در جاهای مختلف مورد اشاره قرار گرفته است که از آن ها می توان به قانون مدنی، قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۵ که به هر حال متضمن مواردی خاص در این حوزه می باشد، اشاره

ناشی از جرم و شبه جرم^۴ است.^۵ در فرهنگ اصطلاحات حقوقی گیلین و ونسان، مسئولیت مدنی به قرار ذیل تبیین شده است:

«تعهد به جبران خسارت، فارغ از این که خسارت به موجب عدم ایفای تعهدات قراردادی باشد (مسئولیت قراردادی) یا به واسطه نقض تکلیف کلی انسان به عدم ایراد خسارت به دیگری به موجب عمل شخصی خود یا اشیای تحت الحفظ خود یا عمل شخصی که مسئولیت ایشان برعهده او می باشد (مسئولیت ناشی از فعل دیگری). مسئولیت غیرقراردادی مسئولیت ناشی از جرم و شبه جرم نامیده می شود.

پاتریس ژوردن، صاحب نظر حقوقی مشهور فرانسوی، مسئولیت مدنی را به عنوان تکلیفی که برعهده یک مسؤول قرار گرفته است تا ضرر وارده را جبران نماید، تعبیر می کند. مسئولیت مدنی به عقیده برخی دیگر به تکلیفی اطلاق می شود که برعهده یک مسؤول بنا شده باشد تا ضررهای وارده را به نحو مقتضی جبران نماید (ژوردن، ۱۳۹۴: ۱۷).

با این وصف، انسان زمانی از نقطه نظر مدنی مسؤول شناخته می شود که مکلف باشد آثار و نتایج ضرر وارد شده به شخص دیگر را به نحو مقتضی جبران نماید. متقابلاً در کنار مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری مورد اشعار قرار گرفته شده است، با این توضیح که مسئولیت مرتکب جرمی از

داشت که مسیر را برای ایجاد یک نظام واحد موزون و هماهنگ ناهموار می سازد.

مطالعه تطور تاریخی روابط دیرین مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی، به لحاظ ملاحظه تحول نهادهای مدنی، امری پسندیده است، ولی شاید پرداختن بیش از حد به آن در این اثر، موجب خروج موضوعی گردد.

۲- دامنه مفهومی موضوع

مسئولیت را می توان به مثابه موظف بودن برای انجام یک امری یا تعهد و مؤاخذه (دهخدا، ۱۳۸۵: ۲/ کلمه مسئولیت) در نظر گرفت. بر همین اساس اصطلاح مسؤول بودن به مفهوم مورد مؤاخذه قرار گرفتن به سبب تعهد به مراقبت و حراست تعبیر شده است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۲۰۹).

در اصطلاح حقوقی، واژه مسئولیت عمدتاً به مفهوم ضمان به کار رفته است، هر چند که دامنه استعمال ضمان وسیع تر است، به عنوان نمونه واژه ضمان به مفهوم ضمان عقدی و ضمان معاوضی هم استفاده می شود که به هیچ عنوان نمی توان اصطلاح مسئولیت را بر آن اطلاق نمود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۵/ کلمه مسئولیت).

اما اصطلاح مسئولیت مدنی که در ظاهر برگرفته از اصطلاح فرانسوی^۱ می باشد، متضمن وظیفه جبران خسارت است که به واسطه عمل نامشروع شخصی به شخص دیگر ایراد شده است.

مسئولیت مدنی در مفهوم عام خود ناظر بر مسئولیت قراردادی^۲، مسئولیت خارج از قراردادی^۳ و مسئولیت

فرانسه اصطلاح جرم مدنی (delit civile) را در معنای عام خود استعمال می کنند که متضمن شبه جرم است و در همین راستا برای مسئولیت حادث از جرم یا شبه جرم یا مسئولیت خارج از قرارداد اصطلاح مسئولیت ناشی از جرم (delictuelle responsabilite) استفاده می کنند که مسئولیت قهری بر آن نیز اطلاق می گردد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۶: ۳۸).

^۱- Responsabilite Civile

^۲- Responsabilite Contractuelle

^۳- Responsabilite Extra Contractuelle

^۴- Responsabilite Delictuelle et Quasi Delictuelle

°- جرم مدنی به عمل نامشروع زیان آور عامدانه ای اطلاق می گردد و شبه جرم فعل نامشروع موجب ضرر غیر عمدی می باشد. در حقوق

جرایم مطروحه در قانون و مقررات به موجب مسؤولیت اخیر تبیین می گردد.

درخصوص مسؤولیت کیفری باید چنین بیان داشت که در اصل متضرر و زیان دیده، کلیت جامعه است و دقیقاً نقطه متقابل مسؤولیت مدنی می باشد که در آن متضرر شخص است. با این حال، در مسؤولیت کیفری، اسقاط هر گونه حق به منزله صلح و سازش جهت زدودن اثر کلی آن نمی باشد، مضافاً بر این که در این نوع مسؤولیت، عنصر عمد (به مفهوم قصد نتیجه) لازمه تحقق جرم و پیدایش مسؤولیت می باشد. برخلاف مسؤولیت مدنی که در قانون مدنی ایران، حتی فرض مسامحه و اهمال هم در آن شرط نمی باشد (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۷۷).

۳- وجوه افتراق بنیادی مسؤولیت مدنی و مسؤولیت کیفری در حقوق کنونی

۳-۱- ایضاح دگماتیک

مفاهیم و مقررات شناخته شده در حقوق به لحاظ مفهوم شناسی و تأویل معانی دارای نکات ابهامی عدیده ای می باشد، چراکه در برخی موارد هر اصطلاح باتوجه به سیاق و ضرورت های موجود در قالب لفظی خاص قرار گرفته و موجد یک مفهوم مستقل می باشد. چنین مفاهیم در قالب الفاظ قراردادی متبلور می شوند که به نحوی معرف وقایع حقوقی خاص هستند. بر هر کدام از آنها باری مصطلح و معمول مفروض است که هنگام استیفاء و ارائه تفسیر نباید از آنها غافل شد. با این وصف، حقوق بما هو حقوق هر زمانی به طبیعت و عناصر موجود در آن پرداخته است، تحت شرایط و اوضاع معین جغرافیایی در اصطلاحات حقوقی مداخله نموده و حدی معین برای آنها به وجود آورده است. به عنوان مثال تقصیر، سبیت،

زیان های آتی همچنان که هرگاه به پدیدارهای ناشی از آن عناصر پرداخته باشد، برای آنها لفظی ابداع کرده که به صورت بنیادین با معانی عادی یا علمی آن پدیدارها دارای تباین بوده است و این درست در موقعی به منصف ظهور رسیده است که حقوق از رفتارهای مختلف انسانی در قلمرو طبیعت سخن به میان آورده است. به عنوان مثال واژه تقصیر با مسؤولیت فارغ از نوع آن (مدنی و کیفری) از قالب اجتماعی خود درآمده و جامعه حقوقی با تعاریف و حدود و ثغور معین بر تن نموده است. علت چنین امری این بوده است که در یک سیستم قراردادی^۱ حقیقت همواره هم ردیف واقعیت نبوده است.

واقعیت اساساً متضمن موجودیتی مادی است، درحالی که حقیقت چنین خصیصه ای ندارد. بر همین اساس در حقوق که یک سیستم مبتنی بر مفاهیم انتزاعی می باشد، به وفور مفاهیم قراردادی، در عالم خارج فاقد مصادیق خارجی هستند، اگرچه این مفاهیم از منظر آن نظام (حقیقی) به نظر برسند.

آنچه که در این تحقیق ملاک عمل است، رهیافت های عملی منطبق با آموزه های حقوقی که به نوعی خارج از مصادیق خارجی واقعی می باشد، خواهد بود.

۱-۱-۳- از منظر قلمرو

چه بسا یک عمل واحد هم زمان هم بتواند موجبات مسؤولیت مدنی را فراهم نماید و هم جهات مسؤولیت کیفری را و همچنین ممکن است یک فعل صرفاً متضمن مسؤولیت مدنی باشد یا فقط موجد مسؤولیت کیفری.

قلمرو و دامنه مسؤولیت مدنی وسیع تر از مسؤولیت کیفری می باشد. این درحالیست که ما اعمالی را به عنوان موجد

¹- Conventional

دعوی مسئولیت مدنی بین اشخاص طرح می‌گردند، ولی در مسئولیت کیفری عمدتاً قضیه بین سلطنت^۱ و افراد رخ می‌دهد (Elliott & Quinn, 2009: 85).

۲-۱-۳- از منظر هدف

هدف مسئولیت مدنی را می‌توان در احقاق حقوق و جبران زیان وارده به غیر جستجو نمود، ولی آرمان اصلی مسئولیت کیفری ایجاد نظم و ثبات آن در اجتماع است (باریکلو، ۱۳۸۷: ۲۶).

باید اذعان داشت که هدف غایی از ایجاد دو مسئولیت یکسان نمی‌باشد. در حقوق کیفری، از آنجایی که مجرم مرتکب عمل ناشایستی شده است که از منظر نظم عمومی تحمل آن ممکن نیست، از این رو جامعه درصدد دفاع از خود برمی‌آید و به دنبال مجازات متجاوز است. بر همین مبنا مجازات‌های گوناگون، چون حبس، تبعید و غرامت با هدف جبران خسارت وارده به جامعه و اجتماع و پیشگیری از وقوع همان جرم توسط اشخاص دیگر و اصلاح خود مجرم مقرر شده است و تنها دغدغه مشترک آن‌ها حراست و حفاظت از منافع عامه می‌باشد، بدین ترتیب مسئولیت کیفری به عنوان ضمانت اجرای نقض حقوق عامه است و میزان سختی آن در گرو درجه اخلاقی است که در نظم عمومی ایجاد می‌شود. متقابلاً، ماهیت و ساختار مسئولیت مدنی جبران خسارت می‌باشد. تحولات شگرف در حقوق کیفری مفهوم کلی جبران خسارت را دستخوش چنان تغییری کرده است که آن را جایگزین مجازات می‌کند، ولی در این خصوص خسارت بیشتر جنبه اجتماعی دارد و نه شخصی.

مسئولیت کیفری شناسایی می‌کنیم که برای کل جامعه مضر بوده و به حکم قانون جرم محسوب می‌شوند و به عبارتی بهتر، دامنه مسئولیت کیفری محدود به اعمال مطروحه در قانون است، ولی جرم یا شبه جرم مدنی به هر نوع عملی اطلاق می‌گردد که دارای خاصیت زیان‌بار باشد، خواه چنین عملی عمدی باشد یا در اثر بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی رخ دهد، حتی اگر قانون نسبت با آن اشاره‌ای نداشته باشد.

از دیدگاه حقوق ایران، رابطه بین مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری عموم و خصوص من وجه می‌باشد، به این مفهوم که عمل ارتكابی می‌تواند هم موجب جرم مدنی باشد و در عین حال کیفری و یا ممکن است هم‌زمان واجد خصیصه‌های هر دو مسئولیت باشد. مثال بارز چنین موردی تخریب عمدی مال غیر است، چه بسا عملی را به عنوان جرم کیفری قلمداد کنیم، ولی متضمن مسئولیت مدنی نباشد که مصداق مشخص آن ولگردی است، حالت خلاف آن نیز صادق است به این مفهوم که عملی صرفاً واجد وصف مسئولیت مدنی باشد و مسئولیت کیفری را شامل نمی‌شود، از قبیل اتلاف غیر عمدی و ناشی از بی‌مبالاتی غیر (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۶: ۳۷).

در حقوق انگلستان بین مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری مشابهت‌هایی وجود دارد، با این وصف که هر دو مسئولیت به صورت من حیث المجموع ضمانت اجرایی نقض تکالیف قانون و اعمال ناشایست را تبیین می‌نماید (Harlow, 2005: 2).

با این وجود، تفاوت‌هایی هم بین دو مسئولیت مزبور وجود دارد، از آن جمله می‌توان به این مورد اشاره داشت که

¹ - Crown

با این حال، نباید از ذهن دور انگاشت که در زمان کنونی مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری به یک آرمان مشترک دست پیدا کرده‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به پیشگیری و تنبه اشاره داشت. غایت اصلی کیفردادن، تنبه مجرم و سایرین از ارتکاب آن عمل ناشایست (جرم) است که همین امر باعث گشوده‌شدن دریچه اقدامات احتیاطی شد.

در مسئولیت مدنی امروزه با نقشی که بیمه‌های تأمین اجتماعی درخصوص جبران خسارت ایفا می‌نمایند، به‌صورت تدریجی ساختار حقوقی مسئولیت در پیشگیری و اتخاذ اقدامات احتیاطی خلاصه می‌شود.^۱

در حقوق انگلستان، هدف اصلی از تبیین مسئولیت در پرتو حقوق کیفری، در وهله اول حمایت از جامعه می‌باشد و شخص بزه‌دیده (متضرر) به‌عنوان احدی از آحاد جامعه مورد توجه است. به‌عبارتی دیگر هدف غایی و اصلی مسئولیت کیفری بر این قاعده استوار است که دفاع جمعی از اجتماع به‌عمل آورد و به‌صورت تبعی حقوق متضرر هم مورد حمایت قرار می‌گیرد (Harpwood, 2009: 55).

اثر مستقیم مسئولیت کیفری، عقوبت شخص متجاوز است، درحالی‌که نتیجه مسئولیت مدنی جبران خسارت شخص متضرر است. تبیین مسئولیت مدنی و کیفری در راستای تجلی اثر بازدارندگی صورت می‌گیرد، لیکن از نگاه کلاسیک اثر بازدارندگی مسئولیت مدنی عمدتاً تبعی است، به‌عبارتی دیگر چنان‌چه راننده خودرو از سرعت مطمئنه تجاوز نماید و موجبات ورود آسیب به دیگری را

فراهم نماید، حقوق مسئولیت مدنی ایشان را وافی دارد تا پرداخت غرامت و جبران خسارت را به‌جا آورد و همین امر باعث می‌گردد ایشان در آینده احتیاط حداکثری را اعمال نماید، شایان ذکر است که اثر بازدارندگی، به‌عنوان اثر متقن مسئولیت مدنی از منظر سنتی محسوب نمی‌گردد (Roger et al, 2017: 148).

ناگفته نماند که در تحلیل اقتصادی حقوق مسئولیت مدنی، عنصر بازدارندگی باید اثر اولیه و مستقیم مسئولیت مدنی باشد و حقوق مسئولیت مدنی زمانی مناسب و عادلانه است که باعث شوند خسارتی رخ ندهد، تا موجب افزایش ثروت عمومی شوند (Shavell, 2004: 177).

۲-۳- از منظر منبع

به‌لحاظ منبع، مسئولیت کیفری منبعث از قانون است. موردی که دلالت بر اصل قانونی بودن جرم و مجازات دارد که به درستی در اصل ۳۶ قانون اساسی متبلور شده است.^۲ ازاین‌رو هرگونه عقوبت به تجویز قانون است و نمی‌توان هر کار ناشایست را جرم قلمداد نمود. قیاس در مباحث کیفری روا نیست و اصل پسندیده قانونی‌بودن مجازات تضمین‌کننده حراست از حقوق افراد در برابر دولت است.^۳ اما در مسئولیت مدنی، چنین حکمی به‌عنوان یک قاعده کلی مورد قبول واقع شده است که هر کسی خسارتی به دیگری وارد آورد، باید از عهده جبران آن برآید.

دادرس تکلیف ندارد تا برای هر مسئولیت به هر نحو ممکن ساختار قانونی به‌دست آورد. معیار اصلی خطا

۲- حکم به اجرای مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به‌موجب قانون باشد.

۳- Nulla Poena Sine Lege

۱- در کشور آمریکا، در بازه زمانی یک دهه (از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۸) میزان حق بیمه‌ای که درخصوص مسئولیت پرداخته شده است، قریب بر شش برابر (از ۱/۴ میلیارد به ۷/۷ میلیارد دلار) رسیده است و در کشور فرانسه از مرز ۵/۵ میلیارد فرانک تجاوز نموده است که عمدتاً مربوط به بیمه اتومبیل بوده است.

بدین ترتیب، در مباحث کیفری رسیدگی عمدتاً جنبه شخصی دارد و نیت واقعی متهم و قصد ایشان از ارتکاب جرم در تعیین مجازات قطعاً تأثیر به سزایی خواهد داشت. از همین رو، ارتباط مسئولیت کیفری با مسئولیت اخلاقی بیشتر از مسئولیت مدنی است و نیت مجرم و اثر روحی و روانی فعل ارتكابی وی می تواند میزان مسئولیت ایشان را مشخص کند.

به تدریج چنین عنوان شد که در دادرسی های کیفری شخصیت مجرم بیشتر از خود جرم مورد توجه قرار می گیرد. اصلاح مجرم و بایسته های برخورد با ارتکاب جرم رفته رفته جنبه نوعی دادرسی را زائل می سازد و مجازات را شخصی می کند. متقابلاً در مسئولیت مدنی، مصلحت اجتماعی اقتضا می کند که خطا از کالبد اخلاقی خویش خارج شود و جامعه اجتماعی و نوعی بر خود بپوشد. ضابطه اصلی تمیز خطا رفتار عادی شخص یا بازتاب های درونی او نیست، بلکه رفتار یک شخص متعارف است. معیار مد نظر، نوعی و اجتماعی می باشد و مجنون و صغیر غیرممیز نیز، با این که توانایی تمیز را ندارند، واجد مسئولیت خواهند بود (ماده ۱۲۱۶ ق.م)، چرا که هدف غایی عقوبت مجرم و مرنکب نیست، بلکه جبران خسارت برای شخص زیان دیده است.

با جمیع اوصاف یادشده، مسئولیت کیفری زاییده یک فعل عمدی است، ولی مسئولیت مدنی در اغلب موارد ناشی از بی احتیاطی است و همین امر مؤید این است که در مباحث مدنی به اثر عمل زیان بار بیش از محرک عامل پرداخته می شود.

امر دعوی کیفری از منظر آیین دادرسی به وسیله دادستان مطرح می شود و دارای یک سری تشریفات خاص می باشد.

داوری عرف است. از این رو گفتمان های حقوقی و رویه های قضایی به عنوان بازیگران فعال ظاهر شده اند و بالقوه توانایی شناسایی تقصیری ناشناخته را ندارند یا بعضاً آن را مفروض می پندارند. در دنیای امروزی، مسئولیت های بدون تقصیر رو به افزایش است. مواردی که شخص به لحاظ مدنی مسئولیت دارد، بی آن که خطایی به او نسبت داده شود، نتیجتاً منبع مسئولیت مدنی ممکن است قانونی، قراردادی یا عرفی و به عبارتی شفاف تر نقض قانون، قرارداد یا تخطی از عرف باشد. پس از دیدگاه مدنی احتمال دارد شخصی که قانون خاصی را نقض ننموده است یا از ایفای تعهدات قراردادی طفره نرفته است، بلکه صرفاً برخلاف عرف معمول رفتار کرده باشد، مسؤول جبران خسارت شناخته می شود.

۳-۳- از منظر صلاحیت دادگاه و آیین دادرسی

یکی از وجوه افتراق مهم مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری موضوع صلاحیت رسیدگی می باشد. دادگاه صلاحیت دار برای رسیدگی به جرایم کیفری قطعاً دادگاه کیفری خواهد بود که براساس قانون آیین دادرسی کیفری به جرایم رسیدگی نموده و نهایتاً مبادرت به صدور حکم مقتضی خواهد نمود. متقابلاً دادگاه صلاحیت دار برای رسیدگی به جرائم مدنی دادگاه های مدنی می باشند که براساس قانون آیین دادرسی مدنی مبادرت به رسیدگی می نمایند، هر چند که در صورتی که جرم کیفری مصداق جرم مدنی هم باشد و موجبات ورود ضرر و زیان را به شخص یا اشخاص دیگر فراهم آورند. شخص متضرر مستحق خواهد بود دعوای خصوصی خویش را در دادگاه کیفری نیز اقامه کند و در این فرضیه هم دعوای عمومی چنانچه سابقاً توسط دادستان مطرح نشده باشد، شروع می شود.

صلاحیت رسیدگی به چنین دعاوی با محاکم کیفری خواهد بود و دارای مرور زمان خاص خود می‌باشد، ولی مسئولیت مدنی را دادگاه کیفری به صورت تبعی مورد رسیدگی قرار می‌دهد (ماده ۱۱ ق.آ.د.ک) و در دادگاه‌های مدنی هم قابل طرح است. در حقوق فرانسه، مرور زمان موجب از بین رفتن حق اقامه دعوی می‌گردد، ولی براساس بند ۲ از ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری، حتی متعاقب زوال حقوق عمومی، دعاوی خصوصی در دادگاه مدنی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

بدین ترتیب نباید چنین گزاره‌ای باعث شود تا فرض نمود مسئولیت مدنی و کیفری قابلیت جمع شدن با یکدیگر را ندارند و دو نظام متباین و متعارض هستند. اکثر جرایم همراه با ایراد ضرر به دیگران می‌باشد و شاکی خصوصی برای رسیدگی به زیان وارده مأموران قضایی را در امر تعقیب مرتکب عمل زیان‌بار یاری می‌دهد (ماده ۳ ق.آ.د.ک).

طبق سیستم حقوقی انگلستان، مرجع صلاحیت‌دار برای رسیدگی به مسئولیت کیفری، دادگاه‌های کیفری می‌باشند، ولی به کلیات مسئولیت مدنی در دادگاه‌های خاص مدنی و حقوقی عمومی رسیدگی می‌شود. شایان ذکر می‌باشد که دادگاه‌های کیفری، به تجویز قانون صلاحیت دادگاه‌های کیفری، مصوب سال ۱۹۷۳^۱ می‌توانند جبران خسارت متضرر را نیز به همراه مورد کیفری مورد حکم قرار دهند تا از این طریق بتوانند مسیر جبران ضرر و زیان‌های ناشی از جرم را فراهم نمایند. با این وصف دادگاه‌های کیفری در رسیدگی‌های خود با فاصله گرفتن از ساختار انعطافی، معیارهای سخت‌گیرانه‌ای

را در عرصه بررسی دلایل و طرق پذیرش اسناد و مدارک اعمال می‌کنند. به دیگر سخن زمانی دادگاه‌های کیفری نسبت به وقوع جرم و ضرر و زیان حکم می‌نمایند که احتمال معقولانه‌ای برخلاف آن وجود نداشته باشد.^۲ این درحالیست که در دادگاه‌های حقوقی و مدنی، عمدتاً امر رسیدگی به دعاوی مبتنی بر مسئولیت مدنی طبق توفیق احتمالات صورت می‌گیرد.^۳ از این رو احتمال اقوی در این خصوص مرجع است. اگر ۵۰/۱ میزان درصد احتمال ورود زیان و مسئولیت مدنی باشد، دادگاه مبادرت به صدور رأی خواهد نمود، مضافاً بر این که عادتاً دادگاه‌های حقوقی به خسارت بیشتری رأی می‌دهند و در انگلستان دادگاه‌های کیفری به صدور حکم به مبالغ زیاد به عنوان ضرر و زیان ناشی از جرم رغبت نشان نمی‌دهند، به این دلیل که بر این عقیده می‌باشند که حکم جبران خسارت، در واقع مجازات مضاعف می‌باشد و از این رو به حداقل ممکن بسنده می‌کنند، البته این در شرایطی است که متضرر بیشتر در تقلا ی اقدام کیفری می‌باشد. به عنوان نمونه در قضیه‌ای^۴ خانواده یک زن که توسط همسر سابقش به قتل رسیده بود، توانستند مرتکب را به عنوان قاتل در دادگاه عالی معرفی نمایند و دادگاه عالی در جریان رسیدگی به دعاوی مدنی حمله و ضرب و جرح^۵ ادعای قتل را پذیرفت، ولی دادستان متقاعد نشد و ایشان را مورد تعقیب کیفری قرار نداد (Harpwood, 2009: 44).

۴-۳- از منظر مفهوم تفسیر

از نقطه نظر مسئولیت کیفری تقصیر متضمن جنبه شخصی است، به این مفهوم که جهت احراز آن نیاز به وا کاوی روانی و تشخیص قوه تمیز مرتکب است، دقیقاً به خاطر

^۴- Francisco V. Diedrich

^۵- Assault and Battery

^۱- Power of Criminal Act 1973

^۲- Beyond the Reasonable Doubts

^۳- A preponderance of the Evidence

همین موضوع شخص مجنون و صغیر غیرممیز واجد مسئولیت کیفری نمی‌باشند. متقابلاً درخصوص مسئولیت مدنی، عمدتاً مفهوم نوعی ملاک عمل قرار می‌گیرد با این توضیح که تخطی از رفتار متعارف را تقصیر و زمینه‌ساز پیدایش مسئولیت مدنی قلمداد می‌کنند. از همین رو، مجنون و صغیر از منظر مدنی مسؤول شناخته می‌شود (ماده ۱۲۱۶ ق.م).

در حقوق ایران مسئولیت کیفری و عقوبت مرتکب عمل ناظر به شخص ایشان می‌باشد و با امعان نظر بر شدت و حدت تقصیر و به اقتضای وضعیت مجرم و کیفیت تقصیر او تعیین می‌شود، درحالی که تمرکز مسئولیت مدنی در اصل متوجه شخص زیان‌دیده و در راستای جبران کامل خسارات اوست و کیفیت تقصیر در آن محلی از اعراب ندارد، البته شایان ذکر می‌باشد که صاحب‌نظران حقوق ایران در این خصوص از حقوق فرانسه تبعیت کرده‌اند و الهام گرفته‌اند.

۴- ایضاح تئوریک تقصیر در پرتو اصول اروپایی

ماده ۱۰۱-۴ اصول اروپایی مسئولیت مدنی اشعار می‌دارد که در مسئولیت مبتنی بر تقصیر، شخص در قبال تخطی عمدی یا سهل‌انگارانه از معیارهای متعارف رفتاری، مسؤول می‌باشد. در اصل این ماده مؤید این امر است که چنانچه یک شخص از رفتار عملی که به‌طور متعارف از وی انتظار می‌رود تا آن را انجام دهد، عدول کند، اگر سایر موارد لازمه مسئولیت محقق گردند، مسؤول شناخته خواهد شد.

با این وصف، این ماده در قیاس با سایر مقرره‌های موضوعه اروپایی، از قبیل ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه، بند سوم ماده ۱۶۲-۶ قانون مدنی هلند، ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی

اتریش، ماده ۲۰۴۳ قانون مدنی ایتالیا، ماده ۹۰۲-۱ قانون مدنی اسپانیا و ماده ۴۱ قانون تعهدات سوییس بنیان‌گذار قاعده‌ای عام درخصوص مسئولیت مبتنی بر تقصیر می‌باشد. باتوجه به یک رویکرد کلی، قانون مدنی آلمان منصرف از ساختار مستقل خود، دنبال همان آرمانی حرکت می‌کنند که سیستم حقوقی کامن‌لا به دنبال آن است و از آن تبعیت می‌کند.

مسئولیت مبتنی بر تقصیر جایگاه اولیه خویش را از معیار نسبیّت و مبنای اخص مسئولیت پیدا کرده است، این درحالیست که اگر به عناصر اساسی آن توجه گردد، چنین متبادر به ذهن می‌رسد که اصلح بود مسئولیت در قبال رفتار عنوان گردد. نقطه مقابل این قضیه نیز درخصوص مسئولیت محض صادق است و آن هم جایی که مسئولیت مبتنی بر خطر شناخته می‌شود، رخ می‌دهد. خطر، عنصر اصلی نوعی از مسئولیت است که جبران خسارت ناشی از خطر و منفعت به عنوان مبانی یا عامل توجیه‌کننده آن مورد اشاره قرار می‌گیرد.

تقصیر یکی از معیارها و عناصر انتساب است که واقعی اعمال می‌شوند که خسارت زاییده رفتار خود شخص باشد. همین خصیصه مکرراً باعث تمیز این مورد از مسئولیت محض می‌شود. زمانی که عمل یک شخص فاقد موضوعیت بوده و خطر ذاتی عملی از این قبیل، از درجه اول برخوردار است، حتی اگر مفروض باشد که چنین

خطری ناشی از عملی باشد که توسط یک شخص صورت گرفته باشد.^۱

با این وصف، تعامل بین خطر و انسان مسؤول نه بر پایه عمل بی‌واسطه شخص، بلکه بر استیلاهی اقتصادی و ساختاری استوار است که شخص بر عمل خطرناک دارد. موجودیت این رفتار ممکن است به واسطه رفتار شخص غیر از خود متصدی یا دارنده بالخصوص یکی از شرکای او و در برخی مواقع خطر شدید ناشی از رفتار شخص ثالث خارجی باشد.

مطابق ماده ۱۱۰-۶ اصول اروپایی «رفتار هنجار و متعارف» واجد اهمیت به‌سزایی است تا جایی که فردی که مسؤولیت مراقبت و حراست از کودکان یا ناتوانان ذهنی را برعهده دارد، به مجرد این که اثبات نماید هر کار متعارفی را که برای جلوگیری از وقوع ضرر لازم بوده است، اعمال نموده، از مسؤولیت مبری خواهد بود، نتیجتاً می‌توان اذعان داشت که این نوع مسؤولیت صرفاً می‌تواند در ذیل بخش دوم فصل چهار تحت عنوان «انقلاب اثبات تقصیر» اندراج یابد، اگرچه گروه اروپایی بر این عقیده بود که «مسؤولیت ناشی از فعل غیر» تحت دسته خاص باید طرح شود.^۲

۵- جلوه‌های هرمنوتیک مسؤولیت کیفری و مدنی

۱-۵- خطای مشترک

در اغلب مواقع، موارد افعال ناشایست و نامناسبی که موجبات ایجاد مسؤولیت را فراهم می‌آورند (کیفری و

مدنی) مشترک می‌باشند. به این مفهوم که یک تقصیر واحد موجب هر دو نوع مسؤولیت می‌باشد. به عنوان مثال، ایراد جرح به دیگری که مستوجب مجازات است و هم جبران خسارت، علی‌الخصوص دیه جراحات که تحت عنوان «ارش جنایات» به شخص قربانی قابل پرداخت است. همچنین موردی موجب اختلاط و عجین شدن دو مسؤولیت با یکدیگر می‌گردد. به این ترتیب، زیان دیده دارای آزادی عمل خواهد بود تا هم به عنوان مدعی بتواند دعوای مسؤولیت مدنی را مطرح نماید و هم این که به عنوان شاکی خصوصی در تعقیب کیفری ظاهر گردد.^۳

۲-۵- آیین دادرسی و مقوله اثباتی

در مواقعی که اثبات مالکیت شاکی شرط لازم تحقق جرم است، لازمه رسیدگی کیفری صدور حکم قطعی از دادگاه حقوقی خواهد بود (ماده ۱۷ ق.آ.د.ک). متقابلاً، نظر قطعی دادگاه کیفری، در امور مدنی نیز دارای خاصیت امر مختوم خواهد بود. به این مفهوم که دادگاه در جریان رسیدگی به مسؤولیت مدنی حق ندارد، به موضوعی که دادگاه کیفری درخصوص آن مبادرت به صدور رأی نموده است، رسیدگی کند یا تصمیمی برخلاف آن اتخاذ نماید. به عنوان مثال، چنانچه دادگاه کیفری بر این باور باشد که ضرب و جرح واقعیت موضوعی ندارد یا متهم آن مجرم مجرم نیست، دادگاه مدنی به تبع آن نخواهد توانست متهم را به پرداخت خسارت محکوم نماید، چراکه مفهوم قبول مسؤولیت مدنی این است که دادگاه جزایی برخلاف واقع مبادرت به صدور رأی نموده است.

^۳- در حقوق فرانسه هم شخص زیان دیده دارای چنین اختیاراتی می‌باشد، ولی در حقوق آلمان و انگلیس مدعی خصوص حق مطالبه خسارت در دعوای کیفری را نخواهد داشت و صرفاً می‌تواند به دادگاه حقوقی رجوع نماید.

^۱- این نیز برهان روشن است بر این که این اصول مسؤولیت محض را درخصوص اعمال خطرناک و نه فقط اشیا و اتومبیل‌ها به رسمیت می‌شناسد.

^۲- ر.ک. ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه، جایی که نه تنها مسؤولیت ناشی از فعل غیر، بلکه زیان ناشی از وسایل و ابزارها نیز به صورت من‌حیث‌المجموع مورد بررسی قرار می‌گیرند.

البته باید توجه داشت که چنانچه یک متهمی تبرئه شود، رسیدگی مدنی هم خاتمه می‌پذیرد. مناط اعتبار، جلوگیری از اصدار آرای متناقض می‌باشد و با این خصیصه باید حدود امر مختوم را مشخص نمود. باید بررسی شود که آیا مفاد حکمی که از دادگاه جزایی اصدار یافته است با شناسایی مسئولیت مدنی برای ایشان منافات دارد یا اصلاً قابلیت تجمع دارند؟ (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۱/۱).

۶- دیه، امتزاج مسئولیت کیفری و مدنی

دیه در حقوق جزای اسلامی نمونه واضحی از امتزاج مسئولیت کیفری و مدنی می‌باشد. باتوجه به تصویب قانون مجازات اسلامی حقوق مسئولیت مدنی تأثیر شگرفی را از چنین اختلاطی پذیرفته است. شاید این سؤال مطرح شود که چنانچه دیه به عنوان مجازات شناخته می‌شود، چرا به متضرر از جرم قابل پرداخت است؟ و اگر دارای وصف مدنی است و غرض اصلی از اعمال آن صرفاً جنبه جبران خسارت است، چرا در ردیف مجازات‌ها قابل بحث است؟ پاسخ به چرایی مزبور صرفاً جنبه تثوریک ندارد و از منظر آکادمیک هم دارای اثر مهمی است، چنانچه دیه صرفاً عقوبت جرم باشد، خسارت حاصل از آن به همراه آن قابلیت مطالبه را خواهد داشت، اما چنانچه مبلغ مقطوع خسارت باشد، اضافه بر آن نمی‌توان از مجرم مطالبه نمود. در کل دیه دارای دو وجه می‌باشد: هم جنبه عقوبتی و مجازاتی دارد و هم به منزله جبران خسارت در نظر گرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی میان نظام حقوقی ایران و اصول اروپایی مسئولیت نشان می‌دهد که اگرچه مسئولیت مدنی و کیفری از حیث مبانی، اهداف و آثار، دو نهاد مستقل حقوقی محسوب می‌شوند، اما در عمل میان آن‌ها نوعی

هم‌پوشانی و تعامل مستمر وجود دارد که مرزهای سنتی این دو حوزه را تا حدی کم‌رنگ ساخته است. در حقوق ایران، مسئولیت کیفری عمدتاً بر پایه حمایت از نظم عمومی، تنبیه مرتکب و پیشگیری از وقوع جرم استوار است، درحالی که مسئولیت مدنی بیشتر در جهت جبران خسارت زیان‌دیده و اعاده وضعیت سابق عمل می‌کند. با این وجود، در بسیاری از موارد، یک فعل واحد می‌تواند به‌طور هم‌زمان واجد آثار مدنی و کیفری باشد و همین امر ضرورت تبیین دقیق رابطه میان این دو نوع مسئولیت را آشکار می‌سازد. مطالعه اصول اروپایی مسئولیت نیز حاکی از آن است که رویکردهای نوین حقوقی، بیش از گذشته به حمایت مؤثر از زیان‌دیده، ترمیم خسارت و کارکرد پیشگیرانه مسئولیت توجه دارند. در این نظام‌ها، گرایش به کاهش تفکیک مطلق میان ضمانت‌اجراهای مدنی و کیفری و حرکت به سوی الگوهای تلفیقی مشاهده می‌شود، به‌نحوی که برخی نهادها، هم‌زمان دارای آثار ترمیمی، بازدارنده و حتی شبه کیفری هستند. این تحول نشان می‌دهد که فلسفه مسئولیت در حقوق معاصر صرفاً محدود به تنبیه یا جبران خسارت نبوده، بلکه تأمین عدالت ترمیمی و حمایت کارآمد از حقوق اشخاص نیز به یکی از اهداف اساسی آن تبدیل شده است. در حقوق ایران نیز، هرچند قواعد سنتی همچنان بر تفکیک نسبی میان مسئولیت مدنی و کیفری تأکید دارند، اما در حوزه‌هایی همچون جرایم اقتصادی، مسئولیت ناشی از تخلفات حرفه‌ای، حوادث ناشی از کار و خسارات زیست‌محیطی، نوعی تلاقی کارکردی میان این دو نظام قابل مشاهده است. این وضعیت بیانگر آن است که پاسخگویی حقوقی در جهان امروز، نیازمند نگاهی فراتر از تقسیم‌بندی کلاسیک میان حقوق خصوصی و عمومی است. درنهایت، به نظر می‌رسد

کارآمدی نظام مسئولیت در گرو ایجاد هماهنگی بیشتر میان سازوکارهای مدنی و کیفری، تقویت حمایت از زبان‌دیدگان و بهره‌گیری از تجربیات حقوق تطبیقی، به‌ویژه اصول اروپایی مسئولیت، خواهد بود. همچنین بازنگری در برخی مقررات داخلی با هدف رفع تعارض‌ها، جلوگیری از صدور آرای متناقض و تبیین دقیق آثار متقابل مسئولیت مدنی و کیفری می‌تواند گامی مؤثر در جهت تحقق عدالت و امنیت حقوقی محسوب شود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲). *حقوق جزای عمومی*. تهران: انتشارات میزان.
- باریکلو، علیرضا (۱۳۸۷). *مسئولیت مدنی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. جلد پنجم، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵). *فرهنگ متوسط دهخدا*. چاپ اول، جلد دوم، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

- ژوردن، پاتریس (۱۳۹۱). *اصول مسئولیت مدنی*. ترجمه مجید ادیب، چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.

- صفایی، سیدحسین و رحیمی، حبیب‌اله (۱۳۹۶). *مسئولیت مدنی*. چاپ دهم، تهران: انتشارات سمت.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). *الزام‌های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی*. جلد اول، چاپ نهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ب. منابع انگلیسی

- Elliott, C & Frances, Q (2009). *Contract Law*. 7th ed, London: Pearson Education Limited.
- Harlow, C (2005). *Understanding Tort Law*. 3rd ed, London: Sweet and Maxwell.
- Harpwood, V (2009). *Modern Tort Law*. 7th ed, London: Routledge.
- Rogers, WVH; Winfield, PH & Jolowics, JA (2017). *Winfield and Jolowicz on Tort*. 11th ed, London: Wweet and Maxwell.
- Shavell, S (2004). *Foundation of Economic Analysis of Law*. 1st ed, Cambridge: Harward University Press.
- Viney (Genevieve) (1988). *La Responsabilite: Conditions: Traite de Droit civil, Sous la Direction de Jacques Ghestin*. Paris: Effets.